

# حمیت و توسعہ

درآمدی انتقادی

نویسنده: فرانک نورزی

ترجمه: حسین قدرتی

(عضو هیات علمی دانشکده علوم سیاسی)

شفیعه قدرتی

(عضو هیات علمی دانشگاه حکیم نوری)

انتشارات سازمان جهاددانشگاهی تهران

۱۳۹۴

سرشناسه	فوردی، فرانک، ۱۹۴۷ - م.
عنوان و نام پدیدآور	Furedi, Frank جمعیت و توسعه: درآمدی انتقادی / نویسنده فرانک فوردی؛ ترجمه حسین قدرتی، شفیعه قدرتی؛ [به سفارش] دانشگاه حکیم سبزواری.
مشخصات نشر	تهران: سازمان جهاد دانشگاهی تهران، انتشارات، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۲۲۲ ص: جدول.
شابک	978-600-133-188-6
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: Population and development : a critical introduction, 1997.
موضوع	جمعیت -- جنبه‌های اقتصادی
موضوع	رشد اقتصادی
موضوع	سیاست جمعیت
شناسه افزوده	قدرتی، حسین، ۱۳۵۳ - مترجم
شناسه افزوده	قدرتی، شفیعه، ۱۳۵۹ - مترجم
شناسه افزوده	دانشگاه حکیم سبزواری
شناسه رده	سازمان جهاد دانشگاهی تهران. انتشارات
رده بندی کتبی	۱۳۹۴ ۸م ۴۹/۴۱/ف HB
رده بندی دیجی	۳۰۴/۶
شمار کتابشناسی ملی	۴۰۶۷۰۶۳



## جمعیت و توسعه

نویسنده: فرانک فوردی

مترجمان: حسین قدرتی، شفیعه قدرتی

ناشر: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران

ناظر چاپ: احمد آرش

لیتوگرافی: زاویه نور

چاپ و صحافی: شریف

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰/۰۰۰ ریال

نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۳-۱۸۸-۶

ISBN: 978-600-133-188-6

<http://jahat.ir>

[en.jahat@gmail.com](mailto:en.jahat@gmail.com)

نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۸۶ - ۱۳۱۴۵

تلفن: ۶۶۹۵۵۷۵۳ - تلفکس: ۶۶۹۵۴۳۸

تلفن مراکز پخش: ۶۶۴۹۰۷۴۰ - ۶۶۴۹۰۷۴۲

این اثر، مشمول قانون حمایت مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است. هرکس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مولف یا ناشر تکثیر و کپی برداری نماید مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

«ویزکیم و یعلمهم الکتاب و الحکمة»

### مقدمه ناشر

ایران امروز در اشتیاق، توسل و استقلال، گامهای محکم و استواری برمی‌دارد. همه روزه در گوشه و کنار میهن ما جوانان در خرید کفایبی علمی و فنی رخ نموده و با عنایت و یاری خداوند متعال و در سایه تلاش کوشش جامعه علمی و دانشگاهی حرکت به سوی مرزهای دانش شتاب بیشتری به خود می‌گیرد. خدایا! شکر می‌گوییم که این فرصت را به ما ارزانی داشته تا گامهایی هر چند کوچک در راستای توسعه و نشر استاوردهای علمی و فرهنگی کشور برداریم، باشد تا با یاری خداوند منان و در پرتو امت اندیشمندان، نویسندگان، مترجمان و متخصصان مومن و متعهد بتوانیم در اعتلاء علمی کشور عزیزمان ایران سهمی داشته باشیم.

انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران در راستای رطاب نشر و به منظور نیل به اهداف علمی- فرهنگی نظام جمهوری اسلامی مبادرت به انتشار آثار ارزشمند و مورد نیاز علمی و دانشگاهی می‌نماید. در این راه از کلیه اساتید، پژوهشگران، صاحبان قلم و اندیشه دعوت به مشارکت و همکاری می‌گردد.

## مقدمه مترجمان

امروزه مباحث توسعه و تغییر اجتماعی در مرکز توجه اندیشمندان و برنامه‌ریزان قرار دارد. ضرورت پرداختن به دسترس به ویژه در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران که با مسایل فراروی فرایند توسعه دست و پنجه نرم می‌کنند، بسیار بیشتر است. در عمده‌ی نظریه‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه، جمعیت و پویایی‌های آن به عنوان مؤلفه‌ای مهم مورد توجه واقع می‌شود. ایران در دهه‌های اخیر، حدار جمعیت خود را تجربه کرده است. در حوزه‌ی باروری، تعداد فرزندان هر زن به طور متوسط از ۷ نفر در سال ۱۳۵۹ به حدود ۱/۹ فرزند در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است.<sup>۱</sup> نرخ رشد جمعیت در ایران در سال ۱۳۶۵ به حداکثر آن یعنی حدود ۳/۹ درصد رسید و در کمتر از سه دهه در سال ۱۳۹۰ به ۱/۳ درصد کاهش یافته است. با کاهش میزان باروری نهایی زنان به زیر سطح جایگزینی در جامعه‌ی ایران، در سال‌های اخیر بحث‌های مربوط به سیاست‌های جمعیتی تشویقی در فضای جامعه‌ی ایران جان تازه‌ای یافته است. آن چه که در فضای دانشگاهی و علمی ایران جریان دارد و اگرایی‌ها را با فضای رسانه‌ای نشان می‌دهد. جمعیت‌شناسان ایران بر آن هستند که اگر چه نمی‌توانند کاهش رشد جمعیت در ایران را یک بحران به حساب آورند، اما با برنامه‌ریزی و جایگزینی هنجار در جامعه فرزند به جای یک تا دو فرزند، می‌توان به میزان باروری نهایی ۲/۵ رسید که مطلوب و دست‌یافتنی است. با این حال آن چه که باید امروز بیشتر مورد توجه قرار گیرد فرصت پنجره‌ی جمعیتی است که تا حدود سه دهه‌ی آینده به روی ما باز است.<sup>۲</sup> آن چه بیش از همه شایسته‌ی توجه است برنامه‌ریزی علمی و کارآمدسازی ساختارهای مدیریتی و اقتصادی و استفاده از این فرصت پنجره‌ی جمعیتی است که یک بار دست می‌دهد.

کتاب حاضر از جمله تألیفات فرانک فوردی است. وی فارغ‌التحصیل مدرسه‌ی مطالعات

1. Abbasi-Shavazi, M. J, Mc Donald, P and M. Hosseini-Chavoshi. (2009): The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction, London: Springer.

۲. ن. ک. میرزایی، محمد (۱۳۹۱). «فرصت طلایی کنونی را دریابید»، مهرنامه، شماره ۲۴.

شرقی و آفریقایی و استاد جامعه‌شناسی و مطالعات توسعه در دانشگاه کنت است. رویکرد انتقادی او از عناوین کتاب‌هایی که تا کنون منتشر کرده، پیدا است. *ایدئولوژی جدید امپریالیسم* (۱۹۹۴)، *جنگ‌های استعماری و سیاست ملی‌گرای جهان سوم* (۱۹۹۴)، *جنگ خاموش: امپریالیسم و برداشت متغیر از نژاد* (۱۹۹۸)، *سیاست‌های ترس: فراسوی چپ و راست* (۲۰۰۵) و چندین عنوان کتاب دیگر از جمله کارهای منتشر شده‌ی او است. کتاب *جمعیت و توسعه* نخستین بار در سال ۱۹۹۷ توسط انتشارات پالیتی<sup>۱</sup> منتشر شد. مخاطبان این کتاب استادان و دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به ویژه جمعیت‌شناسی و جامعه‌شناسی و نیز هم‌همی کسانی است که علاقمند به تحلیل موضوعات جمعیت و توسعه هستند.

اهمیت کتاب حاضر در نگاه تاریخی به مفهوم «مسأله‌ی جمعیت»، و چارچوب تحلیلی و انتقادی آن است. عده خصلت هژمونیک روابط قدرت به ویژه در سطح بین‌المللی، ضرورت مطالعه کتاب حاضر را بیشتر می‌کند. مناقشه‌ی مربوط به رشد جمعیت و پیامدهای ناگوار حاصل از آن، رها شده است که در ادبیات توسعه جریان دارد. در این مناقشه برخی رشد جمعیت را مخاطره‌ی بسیار بزرگی برای توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی می‌دانند و برخی رابطه‌ی بین جمعیت و توسعه را مثبت می‌بینند و بدیهی نمی‌دانند. از نظر فوردی نگرانی‌های ابراز شده توسط کشورهای غربی در مورد رشد زیاد جمعیت، بیشتر حاصل نگرانی‌های درونی و ملاحظاتی است تا دغدغه‌ی واقعی. در واقع توسعه‌ی کشورهای جنوب: «غالباً متمایز کردن حقایق جمعیتی از دریافت‌های کسانی که نگران به این موضوع دلواپس هستند، مشکل می‌باشد» (ص ۱۴). او به وضوح هدف این کتاب را و راز نگرانی مثبت یا منفی به رشد جمعیت می‌داند و می‌گوید: «هدف محوری، تحلیل شیوه‌ای است که در آن، رابطه‌ی بین رشد جمعیت و توسعه مفهوم‌بندی شده و تغییر یافته است» (ص ۲۱).

به نظر فوردی دغدغه‌های کنترل جمعیت در غرب، ریشه در ملاحظات امنیت بین‌المللی دارد و این کشورها که: «از چشم‌انداز جمعیت‌شناسی راهبردی می‌نگرند، تثبیت جمعیت جنوب را به عنوان پیش شرط امنیت بین‌المللی در نظر می‌گیرند» در حالی که «هنوز مباحث مربوط به کنترل جمعیت به ندرت با واژه‌های ژئوپلیتیکی واضح مطرح می‌شوند» (ص ۳۶). از نظر فوردی لابی جمعیت برای پیش بردن و القاء کردن مضمون کنترل جمعیت، به مضامین و گروه‌های متعددی متوسل شده است: توسعه، حقوق زنان، محیط زیست و... نویسنده با ارائه-

ی شواهد ناقص گوناگون، به تحلیل دقیق هر کدام از این مضمون‌ها در ادبیات جمعیت‌شناسی می‌پردازد. به عنوان مثال در فصل مربوط به زنان و کنترل جمعیت، با ارجاع به نظر مک نیکول مینی بر این که «کاهش فراگیر باروری که در شرق آسیا در دهه‌ی ۱۹۶۰ (و خیلی زودتر در ژاپن) آغاز شد در جوامعی بود که هنوز به‌طور چشم‌گیری مردسالار بودند- و برخی در واقع بیشترین تعصب مردانه را به‌طور فاحشی نشان می‌دادند... داده‌های مقطعی باروری بر طبق تحصیلات، پدر که به زور در تأیید مسیر سیاست [جمعیتی] جهت داده می‌شود و وزن زیادی به بخش کم‌بکمی از زنان دارای تحصیلات پس از متوسطه می‌دهد، بیشتر اثر کنترل‌شده‌ی ناقصی از طرف بی‌اجتماعی را در بر می‌گیرد تا تفاوت‌هایی که بازتاب اقداماتی است که ثبت نام زنان را افزایش می‌دهد. به این جمع‌بندی می‌رسد که «آموزش جدا از سایر تجربه‌های اجتماعی مهم نمی‌تواند به‌بود داشته باشد. اثر آموزش بدون ملاحظه‌ی اثر شهرنشینی، تحرک اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی، قابل سنجش نیست» (ص ۱۵۸).

فوردی طرف‌دار تداوم راه جمعیت‌شناسی نیست اما پرداختن به جمعیت به عنوان مسأله‌ی اصلی جهان در حال توسعه را نوعی طفره رفتن از مسأله‌ی بنیادی‌تر یعنی ناکارآمدی نهادی می‌داند:

می‌توان گفت که علت مسائلی افراطی یا مناطق در حال توسعه‌ی دیگر هر چه که باشد، کاهش نرخ رشد جمعیت، باعث بهتر شدن شرایط می‌شود. در این صورت فشار بر منابع کمتر خواهد بود. و آنچه که صرف هر فرد می‌شود، بیشتر خواهد شد. از لحاظ نسبی کاهشی ناگهانی جمعیت، فشار بر منابع را کم خواهد کرد. به کاهشی محصولات نیز می‌انجامد. به علاوه کاهش حجم جمعیت هیچ مشکل زیربنایی را حل نخواهد کرد و نهادهای ناکارآمد به تعدیل خود نخواهند پرداخت. همچنین کاهش رشد جمعیت، متغیر سرمایه‌ی انسانی برای جامعه را افزایش نخواهد داد. کنترل جمعیت در چنین شرایطی به نوعی طفره رفتن نیز شبیه است (ص ۶۶).

در پایان از استاد بزرگوار دکتر محمد کریم منصوریان دانشیار جمعیت‌شناسی اجتماعی در دانشگاه شیراز به خاطر معرفی و پیشنهاد این کتاب برای ترجمه سپاسگزاریم. ایشان این کتاب را در پاسخ به این پرسش که مطالعات انتقادی در حیطه‌ی جمعیت‌شناسی چگونه است، معرفی کردند. همچنین از دکتر علیرضا اسلام که زحمت مطالعه‌ی چند فصل اول کتاب را متقبل شدند و این متهی به پیشنهاداتی در ترجمه گردیدند، قدردانی می‌کنیم.

## فهرست

۵	.....	مقدمه ناشر
۷	.....	مقدمه مترجمان
۱۳	.....	مقدمه
۲۳	.....	۱. بازی ارقام
۲۵	.....	۱-۱- باروری رقابتی
۲۷	.....	۱-۲- موضوعات عمومی در گفتمان جمعیت‌شناختی
۳۹	.....	۱-۳- گفتمان خاموش
۴۷	.....	۲. آیا رشد جمعیت مهم است؟
۴۹	.....	۲-۱- چه نوعی از رابطه؟
۵۴	.....	۲-۲- اثر جداسازی
۶۲	.....	۲-۳- جداسازی فرد
۶۵	.....	۲-۴- سیاست اجتماعی و تولید مثل
۶۷	.....	۳. جمعیت و روابط شمال - جنوب
۷۱	.....	۳-۱- قدرت ارقام
۷۶	.....	۳-۲- برجستگی نژاد
۸۰	.....	۳-۳- تنش‌های جمعیتی شمال - جنوب: جنگ سرد و بعد از آن
۸۶	.....	۳-۴- بحث و نظر
۸۹	.....	۴. تحریف ارتباط بین جمعیت و توسعه
۹۰	.....	۴-۱- تأثیر جمعیت‌شناسی بر معنای توسعه
۹۴	.....	۴-۲- توسعه‌ی سریع به عنوان راه‌حلی برای باروری بالا
۹۷	.....	۴-۳- رشد جمعیت به عنوان یک مانع برای توسعه
۱۰۱	.....	۴-۴- منزوی سازی فرهنگ سنتی
۱۰۳	.....	۴-۵- بن‌بست روشنفکرانه

- ۴-۶- تردیدهای اولیه..... ۱۰۶
۵. توسعه و رشد جمعیت..... ۱۱۱
- ۵-۱- تزکول- هوور..... ۱۱۴
- ۵-۲- مبارزه بر سر برنامه‌ی جمعیتی..... ۱۲۰
- ۵-۳- اجماع پس از بخارست..... ۱۲۶
- ۵-۴- چرخش آرام از توسعه..... ۱۲۹
۶. تأثیرگذاری بر باروری: نوسازی بدون توسعه..... ۱۳۵
۷. هدف‌گیری زنان..... ۱۴۵
- ۷-۱- کشف زنان..... ۱۴۵
- ۷-۲- آموزش زنان..... ۱۵۳
- ۷-۳- تبلیغات برای اثیرگذاری در باروری..... ۱۵۸
۸. محیط زیست گرایي به منظور نوات..... ۱۶۵
- ۸-۱- احیای مالتوس..... ۱۶۸
- ۸-۲- پیوند میان جمعیت و محیط زیست..... ۱۷۵
۹. نتایج: گفتمان جمعیت و توسعه- انشعاب راه..... ۱۸۵
- ۹-۱- چه کسی خانواده‌ی چه کسی را تنظیم می‌کند..... ۱۸۷
- ۹-۲- توسعه و اجماع قاهره..... ۱۹۳
- معادله‌های فارسی..... ۱۹۷
- فهرست اسامی..... ۲۰۱
- پی‌نوشت‌ها..... ۲۰۳

## مقدمه

امروز از دیدگاه عموم، رشد جمعیت به عنوان عامل اساسی مشکلات توسعه در نظر گرفته می‌شود. در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، اغلب فقر در ارتباط با جمعیت زیاد، مورد سرزنش واقع می‌شود. به موازات درگیر شدن در تدریس مطالعات مربوط به توسعه، تصمیم گرفتم رابطه‌ی بین مشکلات روستا و جوامع در حال توسعه‌ی جنوب را با روندهای جمعیتی بررسی کنم. به هر حال در طی پژوهش‌هایم متوجه شدم نکاتی را تعدیل کنم. با بررسی دقیق‌تر موضوع، سوالاتی سر برآوردند مبنی بر اینکه آیا ارتباط مستقیمی - منفی یا مثبت - بین رشد جمعیت و توسعه وجود دارند یا نه. در واقع به طور کلی انگیزی مشخص شد که حتی آن دسته از متخصصانی که رشد جمعیت را به عنوان مشکل اساسی عصر ما در نظر می‌گیرند، دیگر اصراری بر وجود چنان رابطه‌ای ندارند.

انتشارات اخیر صندوق جمعیت سازمان ملل<sup>۱</sup> به رابطه‌ی بین رشد جمعیت و توسعه به عنوان موضوعی جنبی نگریسته و در جستجوی ایجاد حمایت‌ها برای برنامه‌های کنترل جمعیت در سایر زمینه‌ها است. حتی سازمان‌ها و افرادی که مشتاقانه به ترویج برنامه‌های طراحی شده جهت محدود کردن جمعیت می‌پرداختند، اکنون به راحتی می‌گویند که هیچ مدرکی دال بر این که رشد جمعیت عامل فقر است وجود ندارد. بیشتر مطالعات غیرتخصصی جوامع در حال توسعه یا به پای تغییر جهت موجود در نوشته‌های متخصصان در مورد جمعیت جلو نیامده‌اند و نمایندگی‌های رسانه‌های عمومی مربوطه، هنوز رشد جمعیت را با مشکلات توسعه‌ی اقتصادی، قحطی و کمبود غذا مرتبط می‌دانند. به هر حال تغییری مهم در تأکید بر این امر رخ داده است و مطالعات متخصصان بیشتری به ویژه آن دسته مطالعاتی که بر پژوهش‌های تجربی استوارند ملاحظات بیشتری روا می‌دارند. امروزه عاملان مربوط به انجام برنامه‌های جمعیتی، بیشتر مایل هستند که فعالیت خود را در زمینه‌هایی توجیه کنند که مرتبط با بهبود سلامت زنان یا حفاظت از محیط‌زیست باشد. زیرا این امر به توسعه‌ی اقتصادی کمک

می‌کند.

یکی از نکات محوری مورد مطالعه در این کتاب تغییر دادن رابطه‌ی بین مباحث مربوط به جمعیت و توسعه است. تغییر در جهت پیدا کردن بنیادهای جدید برای سیاست‌های جمعیتی، این سؤال را برانگیخته که تا چه حد نگرانی‌های پیشین در مورد توسعه درست بوده‌اند. یکی از جالب‌ترین بخش‌های حاصل از مرور نوشته‌های متخصصان جمعیت‌شناسی و نشریات آژانس‌های تنظیم خانواده این است که جمعیت و توسعه دو حکایتی بوده‌اند که برای مدتی از یکدیگر فاصله گرفته‌اند. بررسی علت این انشعاب باید به روشن شدن رابطه‌ی نه چندان ساده بین این دو موضوع کمک کند.

سؤال مربوط به جمعیت صرفاً در مورد تعداد جمعیت نیست. مجادله‌های مربوط به این موضوع تا حد زیادی شامل بار عاطفی و ایدئولوژیکی بوده است. غالباً متمایز کردن حقایق جمعیتی از بافته‌های کسانی که نسبت به این موضوع دلواپس هستند، مشکل می‌باشد. گاهی مرز مربوط به این تنگنا که تعداد آنها بسیار زیاد است و تعداد ما بسیار کم، از یک واقعیت جمعیت‌شناختی، غیرقابل تشخیص است. غالباً مسائلی که کمتر به جمعیت‌شناسی مربوطند، از طریق منشور جمعیت، آزمون و بیان می‌شوند. همان‌طور که یکی از جمعیت‌شناسان آمریکایی اخیراً خاطر نشان کرد «آنچه که یک مسأله‌ی جمعیت‌شناختی نامیده می‌شود شاید بهتر باشد مسأله‌ای اخلاقی یا روشنفکرانه تلقی گردد که شکلی جمعیت‌شناختی به خود گرفته است». احتمال این که آگاهی جمعیت‌شناختی حاکی از تغییر نگرانی‌ها باشد در فصل‌های آینده مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

از آنجا که نگرانی‌ها در مورد رشد جمعیت، اغلب مبنای روندهای واقعی جمعیتی بروز می‌کند، بررسی آنها به عنوان موضوعاتی فی‌نفسه مفید خواهد بود. در فصل یک این موضوع یعنی آنچه که ما می‌توانیم آگاهی جمعیت‌شناختی بنامیم، مقدم بر مباحثات وسیع‌تر موضوع جمعیت، بررسی می‌شود. این امر منتهی به چیزی می‌شود که غالباً مورد واقعی بحث‌های مربوط به موضوع است. شواهد ارائه شده در طول فصل‌های ۳ تا ۶ بیان‌گر آن است که شرایط توسعه‌ی کامل در مورد رشد جمعیت، اغلب مقدم بر تحلیل حقیقی مسائل است. و مکرراً این مناقشه بیشتر با نتایج پیشین مربوط به رشد جمعیت شکل می‌گیرد تا بر اساس تحلیل دقیق شرایط. در نتیجه در اغلب موارد، جدا کردن اثرات واقعی روندهای جمعیتی از بازنمودهای ایدئولوژیکی آنها مشکل است. به عنوان مثال تنش بین شمال و جنوب به وضوح از طریق مباحث جمعیتی تشریح می‌شود. فصل ۳ به این بحث می‌پردازد که رابطه‌ی شمال - جنوب به گونه‌ی رنج‌آوری تحت تأثیر درون‌مایه‌های قدرت و رقابت نظامی و نژادی است نه عوامل

ساده‌ی جمعیت‌شناختی.

فصل ۴ تا ۶ به مواجهه‌ی بین توسعه و رشد جمعیت با مروری بر مراحل مختلف اظهارات روشنفکران در این مواجهه می‌پردازد. سه مرحله‌ی متمایز در تاریخ این مباحث وجود داشته است:

مرحله‌ی اول (۵۵-۱۹۴۰) در ابتدا تکامل رشته‌ی توسعه به صورت آکادمیک مستقیماً تحت تأثیر ظهور نگرانی‌هایی بود که از اثرات رشد جمعیت در جنوب ناشی می‌شدند. در این مرحله - دهه‌ی ۱۹۴۰ میل و بیشتر دهه‌ی پنجاه - توسعه به عنوان راه‌حلی برای مسأله‌ی جمعیت مورد تشویق قرار گرفت.

مرحله‌ی دوم (۷۵-۱۹۵۵) رابطه معکوس شد به طوری که متخصصان هرچه بیشتر تأکید می‌کردند که کنترل جمعیت در این نیاز توسعه است. بحث آنها این بود که کنترل جمعیت به غلبه بر موانعی که در راه توسعه قرار دارند کمک می‌کند.

مرحله‌ی سوم (۱۹۷۵ به بعد) ارتباط بین جمعیت و توسعه به طور قابل توجهی کاهش یافت. مشکل مربوط به تداوم رابطه‌ی احتمالی بین جمعیت و توسعه، منتهی به جهت‌گیری جدید در مباحث مربوطه، از دهه‌ی هفتاد به بعد است.

در فصل ششم بررسی جدا شدن برنامه‌ی کنترل جمعیت از هدف توسعه، که در طی مرحله‌ی سوم بحث آغاز شد، صورت می‌گیرد. نتیجه‌ی حاصل، این است که پیامد این فرآیند، تغییر جهت سیاست‌های طراحی شده در جهت تشویق توسعه، سیاست‌هایی بود که در وهله‌ی اول به منظور تأثیر بر نگرش‌های باروری طراحی شدند. این تغییر، متضمن غربی‌سازی ارزش‌های خانواده در جنوب بدون تغییرات اجتماعی-اقتصادی، است. سیاستی که می‌تواند تحت عنوان نوسازی بدون توسعه نامیده شود، تا امروز ذی‌نفعی بالایی نداشته است. کوشش برای ساختن یک رابطه‌ی جدید جعلی - در حال حاضر بین رشد جمعیت و تخریب زیست‌محیطی - موضوع فصل هشتم خواهد بود.

آیا رشد جمعیت واقعاً یک مسأله است؟ این پرسشی است که در طی زمان تکرار شده و نیز در این کتاب مطرح گردیده است. فصل دوم کوششی است در پاسخ دادن به آن. اغلب پاسخ‌های پیشنهادی توسط مفسران مرتبط با بینش وسیع‌تر آنها نسبت به جهان و تقیّدات ایدئولوژیکی آنها است. مثلاً بسیاری از هشداردهندگان که خطرات رشد جمعیت را تخمین می‌زنند توسط الزامات امنیت نظامی تحریک شده‌اند و آنها که با سیاست‌های جمعیتی مخالفت می‌ورزند غالباً با احساسات طرف‌داران مذهبی زاد و ولد جهت داده می‌شوند. در سال ۱۹۹۴

در کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه<sup>۱</sup> در قاهره پرهیاهوترین مخالفان کنترل جمعیت، محافظه‌کاران آمریکایی بودند که محرک آنها خصومت‌شان با حقوق زنان نسبت به سقط جنین بود. در آمیختگی حوزه‌های متفاوت در مباحث جمعیتی، غالباً فهم دیدگاه‌های مختلف در مورد این موضوع را مشکل می‌سازد. در ابتدا بررسی رویکردهای عمده درباره‌ی مباحث جمعیتی امروز از ارزش خاصی برخوردار است.

به عنوان یک سنت، نویسندگانی که در این موضوع مطلب نوشته‌اند بین آن دسته کسانی که رشد جمعیت را یک مسأله می‌دانند با آنها که آن را مسأله تلقی نمی‌کنند، تمایز قائل شده‌اند. در نوشته‌های تخصصی، دیدگاه‌های بدبینانه در مورد رشد جمعیت که مورد حمایت توماس مالتوس بود غالباً در برابر دیدگاه خوش‌بینانه‌ی کارل مارکس قرار می‌گیرند. همان‌طور که مشهور است مالتوس معتقد بود که اگر جمعیت بدون کنترل رشد می‌کرد زمانی می‌رسید که غذای کافی برای تغذیه‌ی مردم وجود نداشت. مطابق نظر مالتوس، رشد جمعیت، منابع محدودی را که در دسترس بشر است، تهدید می‌کند. در مقابل، مارکس معتقد بود که نه تعداد افراد بلکه شیوه‌ای که طبق آن جامعه سازمان می‌یابد، مسأله را شکل می‌دهد. بر طبق نظر مارکس نه محدودیت‌های طبیعت بلکه سازمان اجتماعی، دلیل فقر و گرسنگی بود. کشمکش بین این دیدگاه‌ها ادامه یافته و بر مبنای بسیاری در مورد پیامدهای رشد جمعیت اثر می‌گذارد. اما مباحث مالتوس و مارکس یک، چاروبوب فکری کافی برای ارزیابی مباحث مربوط به اواخر قرن بیستم فراهم نمی‌کند.

جای شگفتی نیست اگر که نبرد دیدگاه‌ها در قرن نوزدهم درباره‌ی رابطه‌ی بین جمعیت، منابع طبیعی و جامعه، در جهات جدیدی گسترش یافته است. همچنین از دید تخصصی، تعیین جایگاه مباحث جمعیتی معاصر بر حسب بحث‌های کلاسیک مالتوس و مارکس مفید نخواهد بود. بحث امروز حتی با تمام آنگری ایدئولوژیکی کلاسیک راست نمی‌آیند. به عنوان مثال چنین که دولت آن ادعای طرفداری از اصول مارکسیستی را دارد، مقتدرانه از سیاست تک‌فرزندی حمایت کرده و طلایه‌دار پیشرفت در برنامه‌ی کنترل جمعیت است. در همین حال، اقتصاددانان ضد مارکسیستی که طرفدار بازار آزاد می‌باشند با برنامه‌های جمعیتی شدیداً مخالف می‌کنند. آنها معتقدند که غذا و سایر کمبودها می‌تواند با انگیزه‌های اقتصادی و کارکردهای بازار آزاد جبران شود. خصومت آنها با برنامه‌های جمعیتی، حاصل تنفر آنها نسبت به دخالت دولت است.